



Investigating the signs of law enforcement diplomacy on the borders of Iran and Pakistan

Qader Zare Mahdavi¹, Mehdi Shahbazi²

Abstract

Field and Aims: The borders of Iran and Pakistan is one of the issues that has always affected the security of our country. The police force, as the main institution providing public order and security, has also played an important role in this regard. In this regard, the interaction and relations of the police force with the target institutions and organizations can provide the context for confronting the existing crimes and challenges. Therefore, in this study, with the aim of examining the signs of law enforcement diplomacy in the eastern borders, the author tries to explain the influential cases in it and, finally, to examine the role of law enforcement and law enforcement diplomacy.

Methodology: The present study is applied in terms of purpose and descriptive-analytical in terms of method. Phishing tools have also been used to collect data.

Findings and Conclusion: The findings of the study indicate that law enforcement can play an important role in combating crime and extradition by activating law enforcement diplomacy with a hierarchy of power in Sistan and Baluchestan province as well as activating law enforcement diplomacy with Lewis and provincial police in Balochistan, Pakistan. And the fugitive defendants as well as the intelligence elite of the area.

Keywords: law enforcement diplomacy, border, Iran, Pakistan.

1. Faculty member of NAJA Institute of Law Enforcement and Social Studies. Responsible author zaremahdavi@gmail.com

2. PhD Student in Public International Law, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran.



بررسی نشانگاه‌های دیپلماسی انتظامی در مرزهای ایران و پاکستان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۲

قادر زارع مهدوی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۱۲

مهدی شهبازی^۲

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

زمینه و هدف: مرزهای ایران و پاکستان یکی از موضوعاتی است که همواره در امنیت کشورمان تاثیرگذار بوده است. نیروی انتظامی نیز به عنوان نهاد اصلی تامین‌کننده نظم و امنیت عمومی نقش مهمی در این امر داشته است. در این راستا، تعامل و مناسبات نیروی انتظامی با نهادها و سازمان‌های هدف می‌تواند بسترهای مقابله‌ای با جرائم و چالش‌های موجود را فراهم نماید. از این رو، نویسنده در این تحقیق با هدف بررسی نشانگاه‌های دیپلماسی انتظامی در مرزهای شرقی سعی دارد موارد تاثیرگذار در آن را تبیین و نهایتاً، نقش نیروی انتظامی و دیپلماسی انتظامی را مورد واکاوی قرار دهد. روش: تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی-تحلیلی است. برای گردآوری داده‌ها نیز از ابزار فیش‌برداری استفاده شده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: یافته‌های تحقیق حاکی از این است که نیروی انتظامی می‌تواند با فعال‌سازی دیپلماسی انتظامی با سلسله‌مراتب قدرت در استان سیستان و بلوچستان و همین‌طور فعال‌سازی دیپلماسی انتظامی با پلیس لویز و ایالتی در ایالت بلوچستان پاکستان نقش مهمی در مقابله با جرائم و استرداد مجرمین و متهمین متواری و همین‌طور اشراف اطلاعاتی منطقه داشته باشد. کلید واژگان: دیپلماسی انتظامی، مرز، ایران، پاکستان.

۱. عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی ناجا. نویسنده مسئول

zaremahdavi@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری تخصصی حقوق بین‌الملل عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران.



جمهوری اسلامی ایران در زمره کشورهای مهم و استراتژیک منطقه‌ای و جهان است که در طول تاریخ، به ویژه دوران معاصر همواره با تهدیدهایی روبه‌رو بوده است؛ هرچند که این تهدیدات در زمان‌ها و شرایط مختلف متفاوت بوده است. برخی از تهدیدهای جمهوری اسلامی ایران ناشی از عوامل زیر بوده است:

۱. موقعیت ژئوپلیتیک ایران در منطقه خاورمیانه که در عین اینکه می‌تواند فرصت بسیار ارزشمندی برای توسعه همه‌جانبه کشور باشد، همواره نیز با تهدیدهایی همراه بوده است.

۲. حضور کشورهای فرامنطقه‌ای در قالب پایگاه‌های نظامی در کشورهای پیرامونی ما، از نشانه‌های تهدید در این منطقه است.

۳. کشورهای نفتی تجارت و امنیت خود را در سایه استقرار پایگاه‌های نظامی آمریکا طلب می‌کنند.

۴. وجود رژیم صهیونیستی در منطقه که استراتژی ایجاد آشوب در کشورهای پیرامونی خود را دنبال می‌کند. سیاست بحران‌آفرینی در منطقه خاورمیانه از سوی رژیم صهیونیستی چنان شده است که امروز در این منطقه کشورها امنیت خود را در ناامنی همسایگان خود جستجو می‌کنند. تهدید، محور فراگیر در سراسر منطقه شده است و بسیاری از دولت‌ها بر مدار آن قرار گرفته‌اند.

۵. وجود گروه‌های تکفیری در منطقه جنوب غرب آسیا و شمال آفریقا از جمله تهدیدهایی است که ایران و سایر کشورهای هم‌پیمان همچون عراق، سوریه، یمن و لبنان را تهدید می‌کند.

۶. افزایش توان نظامی کشورهای همسایه از حیث کاربردی، به نیروهای مسلح کمک می‌کند تا از دیپلماسی دفاعی، به عنوان یکی از ویژگی‌های مهم فعالیت‌های بخش دفاع در روند بازسازی بنیه دفاعی کشور استفاده کنند.

با مرور کلی سند چشم‌انداز بیست ساله توسعه ایران محورهایی همچون ابتکار عمل و مقابله موثر در برابر تهدیدها، ارتقاء توان آمادگی دفاعی نیروهای مسلح در جهت



بازدارندگی، حفاظت از منافع ملی و منابع حیاتی کشور، جهت‌گیری خارجی و اتخاذ دیپلماسی فعال در جهت گسترش همکاری‌ها و مشارکت بین‌المللی در جهت حفظ صلح به چشم می‌خورد.

نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران به عنوان بخشی از نیروهای مسلح، اصلی‌ترین نهاد تامین‌کننده نظم و امنیت عمومی در کشور است که متاثر از عوامل خارجی و محیط پیرامونی می‌باشد و در صورت عدم مقابله با آنها نظم و امنیت عمومی کشور به مخاطره خواهد افتاد. در بررسی‌های انجام شده از مرزهای کشور، مرزهای ایران و پاکستان و افغانستان ناامن‌ترین مرزهای ایران پس از جنگ تحمیلی بوده است، به گونه‌ای که در سال‌های اخیر امنیت روانی شهروندان در شرق کشور متزلزل شده و هزینه‌های هنگفت انسانی و اقتصادی متوجه کشور شده است (زارع مهدوی، ۱۳۹۸: ۲۲). از این رو، نویسندگان سعی دارند با تبیین و واکاوی عوامل دخیل در چالش‌های مرزهای شرقی با پاکستان، نشانگاه‌های دیپلماسی انتظامی را نیز مورد شناسایی قرار دهند.

دیپلماسی

در متون تخصصی روابط بین‌الملل و سیاست خارجی می‌توان تعاریف متعددی را برای دیپلماسی سراغ گرفت که به دو دسته قابل تقسیم هستند. عده‌ای دیپلماسی را «عمل هدایت روابط میان دولت‌ها از طریق نمایندگان رسمی آن‌ها در داخل و خارج کشورها» تعریف می‌کنند. از این حیث، باید دیپلماسی را نظام ارتباطات در جامعه بین‌الملل دانست که در چهارچوب آن دولت‌ها با یکدیگر تعامل دارند و روابط قاعده‌مند پیچیده‌ای برقرار می‌کنند (جمیز^۱ و بریج^۲، ۲۰۰۱: ۶۲-۶۳). بر مبنای تعریف فوق، هدف دیپلماسی هدایت روابط بین کشورهای مستقل با وساطت نمایندگان منصوب آن‌ها و کارکرد عمده آن مدیریت روابط بین‌الملل به وسیله مذاکره است (ملایسن^۳، ۲۰۰۵: ۵). عده‌ای دیگر دیپلماسی را «فن مدیریت تعامل با جهان خارج» (خانی، ۱۳۸۴: ۱۳۶) یا «هنر و فن اداره سیاست خارجی،

1. James
2. Berridge
3. Melissen



تنظیم روابط بین‌المللی و حل و فصل اختلافات بین‌المللی از شیوه‌های مسالمت‌آمیز» (احدی، ۱۳۸۹: ۸۸) دانسته‌اند.

از بررسی این تعاریف چنین استنباط می‌شود که دو برداشت و تلقی متفاوت از دیپلماسی وجود دارد: دیپلماسی به مثابه فرایند روابط و دیپلماسی به مثابه فن یا هنر (ابزار). برای آن وایت با درک درست این تفاوت معتقد است که می‌توان از دو منظر کلان و خرد به دیپلماسی نگریست و به تعریف آن پرداخت. از منظر کلان (چشم‌انداز سیاست جهانی) دیپلماسی عبارت است از فرایند ارتباطات میان کنشگران بین‌المللی برای حل و فصل کشمکش‌ها و منازعات جهانی از طریق گفتگو و مذاکره با هدف جلوگیری از وقوع جنگ. از این منظر، دیپلماسی به اشکالی از تعاملات همکاری جویانه دولت‌ها اشاره دارد که با هدف مدیریت و استقرار نظم در نظام جهانی و جلوگیری از تبدیل کشمکش‌ها به جنگ صورت می‌گیرد. اما از منظر خرد (چشم‌انداز سیاست خارجی) دیپلماسی به عنوان یک ابزار در اختیار دولت‌ها در کنار دیگر ابزارها مانند نیروی نظامی تعریف می‌شود که در راستای تحقق اهداف سیاست خارجی کنشگران بین‌المللی مورد استفاده قرار می‌گیرد (وایت، ۲۰۰۱).

دیپلماسی انتظامی:

دیپلماسی انتظامی یکی از گونه‌های نوین و جدید در زمینه‌های همکاری‌های امنیتی بین کشورهاست (سجادپور و آخشی، ۱۳۹۷: ۸۹) در تعریف عملیاتی برای دیپلماسی انتظامی می‌توان اینگونه بیان داشت دیپلماسی انتظامی عبارت است از:

عامل و مناسبات انتظامی اطلاعات و عملیات محور دو یا چند نیروی پلیس کشورها، سازمانها و نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی.

اهداف دیپلماسی انتظامی را می‌توان ذیل چهار مورد کلی دسته‌بندی کرد:

- ۱- ارتقای توان اطلاعاتی و عملیاتی
- ۲- ارتقای آموزش‌های نظامی و انتظامی
- ۳- جلب معاضدت حقوقی و پلیسی بین‌المللی
- ۴- کسب پرستیژ و ارتقای جایگاه بین‌المللی (بابلیان، ۱۳۹۹: ۸۸)



وضعیت‌سنجی محیطی در استان سیستان و بلوچستان و نشانه‌های دیپلماسی انتظامی

استان سیستان و بلوچستان با وسعتی حدود ۱۸۷۵۰۲ کیلومتر مربع، معادل ۱۱/۳ درصد از کل مساحت کشور را در می‌گیرد؛ پس از استان کرمان، دومین استان پهناور کشور می‌باشد. از این مجموع ۱۴۰۲۴ کیلومتر مربع آن به سیستان در شمال و ۱۳۳۴۷۸ کیلومتر آن متعلق به بلوچستان در جنوب می‌باشد. سیستان، در بخش شمال استان است و عمده‌ترین شهر آن زابل نام دارد و مردم آن فارسی‌زبان و شیعه مذهب هستند. بلوچستان، در بخش جنوبی استان، از شمال به کویر لوت، از جنوب به دریای عمان محدود است. مردم آن بلوچی‌زبان و سنی حنفی مذهب هستند.

این استان بر اساس آخرین تقسیمات کشوری در سال ۱۳۸۴ دارای ۱۴ شهرستان، ۳۲ مرکز شهری، ۳۷ بخش، ۹۸ دهستان و ۸۱۶۷ آبادی دارای سکنه است. این استان از شرق با کشور پاکستان ۹۰۰ کیلومتر و با کشور افغانستان ۳۰۰ کیلومتر مرز مشترک دارد. همچنین، از شمال و شمال غربی با استان خراسان جنوبی به طول ۱۹۰ کیلومتر و از جنوب با دریای عمان به طول تقریبی ۲۷ کیلومتر هم‌مرز است. مرزهای طولانی آبی و خشکی استان با کشورهای افغانستان، پاکستان و کشورهای حوزه خلیج فارس موقعیت ویژه‌ای به آن بخشیده است (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۸: ۴۱). این استان که از نظر جمعیتی، کم‌تراکم‌ترین استان‌های کشور محسوب می‌شود (گیتاشناسی، ۱۳۷۹: ۴۱)، به لحاظ طبیعی به دو منطقه جغرافیایی سیستان در شمال و بلوچستان در جنوب قابل تفکیک است.



بلوک سیستان:

دشت سیستان در شمال استان با ۱۶ هزار و ۵۷ کیلومتر مربع وسعت برآمده از آبرفت‌های رودخانه هیرمند است که بزرگ‌ترین دریاچه آب شیرین در ایران (دریاچه هامون) را در خود جای داده است.

از نظر اقلیمی این دشت در تیپ اقلیم خشک بیابانی قرار دارد و متوسط بارندگی سالیانه آن کمتر از ۶۵ میلی‌متر است؛ در عین حال میزان تبخیر در آن قریب به ۵۰۰۰ میلی‌متر در سال است.

این شرایط در مجموع باعث خشکی طبیعی این سرزمین شده و در صورت کاهش آب



ورودی هیرمند و یا خشکی رودخانه و قطع آب، خشکسالی‌های مخرب در آن به وقوع می‌پیوندند، کما اینکه خشکسالی بی‌سابقه ۸ ساله اخیر (۱۳۸۴-۱۳۷۸)، مهم‌ترین نمونه آن می‌باشد. وزش بادهای ۱۲۰ روزه سیستان از اواخر اردیبهشت تا اواخر تابستان در تشدید نیاز آبی منطقه مؤثر و بر خشکی محیط نقش تعدیل‌کننده‌ای دارد. (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۸: ۴۴). این بلوک بخش‌های شمالی استان با مرکزیت زابل را تشکیل می‌دهد و دارای مشخصات سیاسی زیر است:

- اکثراً شیعه هستند و نسبت به مرکزیت حکومت همگرایی فرهنگی دارند.
- مردم این ناحیه از نظر سیاسی همگرا با سیاست‌های دولت مرکزی هستند.
- سطح مشارکت آنان نسبت به ناحیه بلوچستان بالاتر است.
- امنیت نسبی در این منطقه حکمفرماست.
- نخبگان سیاسی این ناحیه بیشتر در تعامل با حکومت مرکزی هستند.

بلوک بلوچستان:

بلوچستان به‌عنوان سرزمین و سرای سکونت بلوچ‌ها با وسعت و شمار جمعیت ناهمگنی میان سه کشور پاکستان، ایران و افغانستان قرار گرفته است (کاویانی، ۱۳۹۰: ۱۸۳). بلوچستان ایران منطقه‌ای دور افتاده از کشور است که با ایالت بلوچستان در جمهوری فدرال پاکستان و ناحیه بلوچ‌نشین افغانستان پیوند فضایی و جغرافیایی دارد. از نظر مذهبی اقلیت بلوچ ایران، اهل سنت هستند و از این جهت نیز با بلوچ‌ها و قلمرو اهل سنت پاکستان و شبه‌قاره مجانست دارند با بخش مرکزی ایران متفاوتند از نظر ریشه زبان و لهجه زبان بلوچی را همانند پشتو، تاجیکی و کردی عضو خانواده زبان‌های ایرانی می‌دانند. لکن، لهجه‌های بلوچی در مناطق بلوچ‌نشین ایران و پاکستان به مراتب به هم نزدیک‌تراند تا به زبان فارسی. بنابراین، بلوچستان ایران و پاکستان در سه متغیر مذهب، زبان و قومیت با یکدیگر تجانس دارند. ترکیب این سه متغیر همسو بر همگرایی دو بخش بلوچ‌نشین پاکستان و ایران تأثیر گذاشته و آرمان سیاسی بلوچستان بزرگ را در قالب تلاش برخی نخبگان بلوچ برای کسب هویت مستقل سیاسی بلوچستان بزرگان را در قالب تلاش برخی نخبگان بلوچ برای کسب



هویت مستقل سیاسی «بلوچستان آزاد» پدید آورده است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۸: ۱۷۳-۱۷۴). همین عدم تجانس نسبت به کل کشور باعث شده بلوچستان ایران، همواره با دو چالش اساسی اقلیت‌گرایی با تکیه بر هویت مذهبی و اقلیت‌گرایی با تکیه بر هویت قومی روبرو باشد. دو چالش مذکور در کنار سایر آسیب‌پذیری‌های استان و نیز تهدیدات بیرونی، ناآرامی‌های متعددی را بر این استان تحمیل کرده که عملاً مانع از توسعه‌یافتگی استان در اندازه قابل قبول شده است.

جریان اقلیت‌گرایی مذهبی در بلوچستان ایران هم اینک دو بازو دارد. بازوی سیاسی-مذهبی که مسجد مکی زاهدان محوریت این جریان را به عهده دارد. و بازوی نظامی-امنیتی که گروهک‌های تروریستی مانند الفرقان، جند الشیطان و سپاه صحابه ایران در آن ایفای نقش می‌کنند.

بلوچستان وسعت متنوع‌اش را با دریای عمان گره زده و در مجموع دارای طبیعتی خشک است. نواحی جنوبی استان با توجه به مجاورت با دریای عمان و متأثیر شدن از بادها و باران‌های موسمی اقیانوس هند، دارای اقلیم متفاوتی می‌باشد، چنانکه بالا بودن میانگین دما و پایین بودن نوسانات آن از جمله مشخصه‌های اساسی اقلیم بلوچستان است. با این وجود، در جنوب بلوچستان شاهد شرایط آب و هوایی شرجی، در مرکز خشک و در شمال معتدل خشک، می‌باشیم (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۸: ۴۲).

در بلوچستان با توجه به پایین بودن نزولات جوی (متوسط کمتر از ۱۱۵ میلی متر) و نبودن منابع برف کوهستانی، اکثر جریانات رودخانه‌ای به صورت موقت و فصلی بوده و در نتیجه، منابع آب زیرزمینی نیز با محدودیت مواجه می‌باشد. وجود مخروط آتشفشانی تفتان با ارتفاع ۴۰۵۰ متر در شمال بلوچستان شرایط اقلیمی تعدیل یافته‌ای را به وجود آورده است. بلوک بلوچستان که قسمت‌های میانی و جنوبی استان را به خود اختصاص داده‌اند. مرکزیت این بلوک سیاسی را می‌توان با اندکی تساهل شهرستان ایران‌شهر دانست. این بلوک دارای مشخصات سیاسی زیر است:

- اکثراً سنی‌نشین هستند و تعلق فرهنگی آنان با مرکزیت حکومت زیاد نیست.

- بیش‌تر نسبت به دولت مرکزی در مرز و واگرایی قرار دارند.



- همواره در رقابت سیاسی با مرکزیت قرار دارند.
- ناامنی در این منطقه (منازعات قومی و ...) بیشتر از منطقه شمالی است.
- نخبگان سیاسی این ناحیه بیشتر منتقد حکومت مرکزی هستند.

تغییر در مراتب قدرت قومی در سیستان و بلوچستان

حوزه سیستان و بلوچستان، حوزه‌ای کاملاً ملوک الطوائفی است. مردم دنبال یک مرجع‌ای هستند که امورات آن‌ها را رتق و فتق کند. تا قبل از انقلاب، خان‌ها این کاویژه را بر عهده داشتند. در زمان رژیم طاغوت سران طوایف یا سرداران محلی که حس ناسیونالیستی و وطن‌پرستی قوی‌ای داشتند، در راس هرم اجتماعی جامعه بلوچستان قرار داشتند. و حکومت مرکزی هم اقتدار و قدرت محلی آن‌ها را تضمین می‌کرد و در عوض امنیت و مدیریت منطقه را هم به عهده آن‌ها گذاشته بود. هرگونه برنامه یا سیاست فرهنگی اجتماعی که داشت نیز از طریق این چینش سیاسی و اجتماعی اجرا می‌کرد. این سیاست تقریباً جواب هم داده بود.



انقلاب اسلامی بخاطر اسلامی بودن و ضدیت آن با ظلم و فساد خوانین و خوانین ظالم و فاسد در منطقه، باعث منزوی شدن و یا فرار خوانین در منطقه شدند، لذا خلاءای در منطقه



ایجاد شد و مردم برای پر کردن این خلاء به سمت مولوی‌های اهل سنت روی آوردند که این امر تقویت جریانات مذهبی و حمایت این جریانات از طرف دشمنان را در این منطقه در پی داشت.



مولوی‌های مذهبی با کمک دلارها و منابع مالی که سالانه به صورت خمس از ترانزیت مواد مخدر و دیگر کالاهای قاچاق بدست می‌آورند، توانستند خود را تنها نماینده جامعه بلوچ به مردم معرفی کرده و با القاء محرومیت نسبی (قومی و مذهبی) در جامعه بلوچ و تحت ظلم و ستم بودن آن‌ها از ناحیه نظام و حکومت شیعی، مقدمات سیاسی شدن قومیت و مذهب را بوجود آورده و با فعال کردن این شکاف خود را در راس آن به عنوان نماینده اهل سنت بلوچ قرار داده و مطالبه‌گری خود را از نظام شروع کردند (حسینی و کریم‌زاده، ۱۳۹۲).

چالش‌ها و تهدیدات نرم مهم در استان سیستان و بلوچستان

بکارگیری چالش‌ها و تهدیدات نرم در استان سیستان و بلوچستان با بهره‌گیری از آسیب‌پذیریهای موجود در استان خصوصاً آسیب‌پذیری‌های نرم، تلاش بی‌وقفه‌ای است که دشمنان نظام برای ثبات‌زدایی، نامشروع‌سازی، وحدت‌زدایی، ناکارآمدسازی، هویت‌شکنی، کم‌یا بی‌اقتدارسازی و... انجام می‌دهند. مهم‌ترین چالش‌ها و تهدیدات نرم استان عبارتند از:



- ترانزیت مواد مخدر در مناطق مرزی شرق کشور
- فعالیت سرویس‌های امنیتی خارجی و تأثیر منفی آن بر ثبات و امنیت منطقه
- گرایش‌های تکفیری، وجود تشابهات قومی-مذهبی در دوسوی مرز
- ارتباط با قومیت‌های خارجی
- مبلغان مذهبی اهل سنت
- گروه‌های سلفی افراطی
- جریان‌سازی و تحریک افکار عمومی مردم
- التهاب‌آفرینی سرویس‌های جاسوسی بیگانه
- جریان وهابی‌گری، سلفی‌گرایی و دیگر فرقه‌های انحرافی اهل سنت
- وجود جریان‌های افراطی در میان اهل سنت و شیعه استان و کشور
- جریان فکری در حال توسعه طالبان و القاعده (برخی گرایش‌ها مانند دیوبندی‌های پاکستان)
- ایده تشکیل بلوچستان بزرگ به عنوان کشور مستقل
- وجود برخی مولوی‌ها که ارتباط مستقیم با جریان‌های وهابی و سلفی‌گری در عربستان و پاکستان دارند.

گروه‌های و جریان‌های سیاسی و فرهنگی فعال در استان که مطالبات افراطی مذهبی و قومی خود را از طریق مسالمت‌آمیز دنبال می‌کنند (نصیری، ۱۳۹۷: ۳۹۶).

نشانه‌های دیپلماسی انتظامی در سیستان و بلوچستان

همان‌طور که در بالا اشاره شد، مولوی‌ها در استان سیستان و بلوچستان توانسته‌اند در هرم سلسله‌مراتب قدرت قرار گیرند و از آنها می‌توان به عنوان حلقه پیوند حکومت با بلوچ‌ها یاد کرد، به طوری که تعداد مولوی‌ها و طلبه‌های آنان در قبل از انقلاب در حدود ۲۰۰ نفر بوده است که اکنون به ۱۷۰۰۰ نفر رسیده است، که از این تعداد ۷۰۰ نفر امامان جمعه دائم و یا موقت در شهرها و روستاها هستند. این نکته نیز حائز اهمیت است که مولوی‌ها با آن سوی مرز ایران نیز ارتباط فراوانی دارند (علی‌پور، ۱۳۹۰: ۲۱).



درواقع، با قدرت گرفتن این قشر (مولوی‌ها) و گسترش نفوذ آن‌ها چالشی اساسی متوجه نظام شده است. به نظر می‌رسد یکی از اقدامات جایگزین در جهت کنترل این پدیده در منطقه رجوع به گذشته است، بدین معنی که دوباره جایگاه خوانین تقویت و جایگاه روحانیون مذهبی تضعیف گردد. بنابراین، این تغییر دوباره با مقاومت شدید روحانیون و گسترش تفکرات آن‌ها در میان مردم منطقه روبرو خواهد شد و تمام تلاش خود را بکار خواهند بست که مانع از همگرایی دولت مرکزی با بزرگان و روسای قومیت‌ها شوند (حسینی و کریم‌زاده، ۱۳۸۹).

ساخت طایفه‌ای و ذات‌محوری، یکی از ویژگی‌های اصلی جمعیت بلوچستان بوده است. در چنین زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی، میزان پذیرش و مقبولیت دستورها و فرمانهای رؤسای طوایف و مولوی‌ها از حاکمیت و دستورات حکومتی بیشتر است؛ چنین وضعیتی از نفوذ حکومت و کارگزاران حکومتی در میان مردم میکاهد و مردم فقط در حوادث بزرگ و جنگ‌های قبیله‌ای به دادگاه مراجعه می‌کنند (قالیباف، ۱۳۷۵: ۸۰). گاهی در چنین ساختاری، اختلافاتی پدید می‌آید که حل آن‌ها به شیوه‌ای که طرفین دعوا تمکین کنند، قدرتی فراتر از حکومت را می‌طلبد؛ زیرا بافت اجتماعی و سنت‌های موجود در آنجا به اندازه‌ای قوی است که چه بسا روش‌های قانونی و حکومتی حل اختلاف به درگیری و کینه توزی بیشتر بینجامد (علی‌پور، ۱۳۹۰: ۳۴). تعامل نیروی انتظامی با مراتب قدرت در استان سیستان و بلوچستان می‌تواند نشانگاه اصلی دیپلماسی داخلی در استان سیستان و بلوچستان باشد. این موضوع می‌تواند در تعامل و همکاری با نهادهای مرتبط و ذیربط در این حوزه باشد.

یکی دیگر از موضوعاتی که در استان وجود دارد و تاثیر زیادی در چالش‌های موجود دارد، حضور اتباع بیگانه در استان به ویژه مهاجران افغانی که بخشی به صورت قانونی و بخش عمده‌ای به صورت غیرقانونی وارد استان شده‌اند؛ یکی از ریشه‌دارترین آسیب‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نظام در استان می‌باشد.

بر اساس آمارهای غیررسمی موجود در استان تعداد زیادی افغانی در سطح استان پراکنده‌اند که در کلیه مناقشات میان اهل سنت و شیعه به نفع اهل سنت وارد عمل می‌شوند. آن‌ها در حقیقت پیاده نظام جریان سیاسی اهل سنت محسوب می‌شوند. این مهاجران افغان افزون



بر شرکت در مسائل سیاسی استان، با شرکت در فعالیت‌های اقتصادی، عاملی تأثیرگذار در بیکاری مردم بومی استان هستند و با استفاده از خدمات ارائه شده توسط حکومت، تنگناهایی را در این زمینه ایجاد می‌کنند. در این موضوع نیز نیروی انتظامی با همکاری فرماندهی مرزبانی و همین‌طور مبادی دخیل در این موضوع با کنترل و مهاجرین و قاچاق غیرقانونی افغانه به این استان می‌تواند در امنیت این استان تأثیرگذار باشد که این امر مستلزم تعامل با نهادهای داخلی و همین‌طور نهادهای ایالت بلوچستان پاکستان و همین‌طور افغانستان می‌باشد.

وضعیت سنجی محیطی در پاکستان و نشانگاه‌های دیپلماسی انتظامی

کشور پاکستان جمعیتی حدود ۱۷۰ میلیون نفر و مساحت آن ۷۹۶۰۹۶ کیلومتر مربع می‌باشد. قانون اساسی اسن کشور در سال ۱۹۷۳ به تصویب رسید و نوعی جمهوری اسلامی را به تصویر می‌کشد که بر پایه سیستم فدرالی بنا شده و دارای چهار ایالت، یک پایتخت فدرالی (اسلام‌آباد) و مناطقی است که توسط حکومت فدرالی کنترل می‌شود. فدراسیون پاکستان دارای دولت فدرال قدرتمندی است (سروری، ۱۳۹۳: ۱۹).

کشور پاکستان دارای چندین نیروی جدا از هم و مستقل می‌باشد که مجموع آن‌ها را نیروهای انتظامی می‌نامند. برخی از آن‌ها نیروهای پلیس فدرال و برخی دیگر ایالتی می‌باشند و به صورت مستقیم زیر نظر دولت مستقل ایالتی فعالیت می‌کنند و از دولت فدرال دستور نمی‌گیرند. نیروهای انتظامی زیر نظر دولت فدرال دارای اداره‌هایی با تعداد محدودی نیرو در هر ایالت می‌باشند که از قدرت کافی برخوردار نیستند.

به عنوان مثال، آژانس تحقیقات فدرال (FIA) یکی از نیروهای انتظامی پاکستان محسوب می‌شود که ستاد فرماندهی آن در اسلام‌آباد-محل استقرار دولت فدرال- قرار دارد و در هر ایالت یک اداره دارد که امور مربوطه را پیگیری می‌کند (سروری، ۱۳۹۳: ۲۱). آژانس مذکور در خصوص مبارزه با جرایم سازمان‌یافته، قتل، سرقت، آدم‌ربایی، جرایم رایانه‌ای و برخی از جرائم امنیتی فعالیت دارد. در واقع، این آژانس به مبارزه با جرایمی می‌پردازد که در کشورمان سه پلیس تخصصی پاوا، آگاهی و فتا به صورت اختصاصی و ویژه به مبارزه با آن‌ها می‌پردازند؛ اما با این تفاوت که پلیس‌های تخصصی ناجا در هر استان رده تخصصی دارند و



حوزه اختیارات آن‌ها محدود نیست ولیکن این موضوع در خصوص آژانس تحقیقات فدرال صدق نمی‌کند و حوزه اختیارات آن‌ها تنها در منطقه فدرال است. البته، اگر پرونده ویژه‌ای در کشور مطرح باشد که محل رخداد آن یکی از ایالت‌ها است، مرجع قضایی به صورت به آژانس تحقیقات فدرال دستور می‌دهد تا آن را بررسی و گزارش نماید که در این صورت یک تیم برای انجام تحقیقات از FIA به ایالت مذکور رفته و بعد از بررسی موضوع گزارش آن را به مقام قضایی مربوطه ارائه می‌دهد. اینترپل پاکستان در ساختمان محل ستاد فرماندهی FIA در اسلام‌آباد قرار دارد و همانند یک دبیرخانه عمل می‌کند و مکاتبات دریافتی از طریق سامانه I-۷/۲۴ را بعد از دریافت به ایالت و یا پلیس مربوطه انتقال می‌دهد و در صورت دریافت پاسخ از قسمت‌های مربوطه نسبت به ارسال آن‌ها به کشورهای استعلام‌کننده اقدام می‌نماید.

پلیس ایالتی:

پلیس ایالتی که رئیس آن از سوی دولت ایالتی به دولت فدرال پیشنهاد و توسط نخست‌وزیر منصوب می‌گردد، افسران ملبس به یونیفورم هستند که حوزه اختیارات آن‌ها فقط در شهرهای پرجمعیت و بزرگ ایالت بلوچستان همچون کوئته (مرکز ایالت)، خضدار، تربت، چمن، هاب، سیبی، ژوب و غیره می‌باشد که مناطق A خوانده می‌شوند و پلیس مذکور در مناطق غیرشهری اختیاراتی ندارد. پلیس ایالتی به صورت مستقیم تحت فرمان و زیر نظر دولت ایالتی و وزیر داخله ایالت می‌باشد و نیروهای آن در کلانتری‌ها و ستاد خدمت نموده و با جرائم ارتكابی در شهرها مبارزه می‌کنند. یونیفرم پلیس ایالتی همانند ایالت‌های دیگر به غیر از پنجاب و منطقه فدرال شلوارهای کرم رنگ و پیراهن سیاه رنگ می‌باشد.

نیروی «لویز»

مناطق غیرشهری و کم‌جمعیت که حدود ۹۰ درصد از ایالت وسیع بلوچستان را تشکیل می‌دهد، به عنوان مناطق B شناخته می‌شود و مبارزه با جرائم ارتكابی در این مناطق برعهده نیروی «لویز» می‌باشد. کارکنان نیروی مذکور ملبس به یونیفورمی مشابه لباس محلی پاکستان با نام شلوار و قمیض سیاه رنگ می‌باشند. این نیرو از زمان حکومت انگلیسی‌ها در هندوستان -



قبل از استقلال پاکستان در سال ۱۹۴۷- در این منطقه ایجاد و با نظارت فرماندهان نظامی انگلیسی و زیر نظر بزرگان قبایل برای محافظت از مرز و مناطق مرزی به کارگیری می‌شده‌اند. در حال حاضر، این نیروها زیر نظر دولت ایالتی و وزارت امور داخله این ایالت قرار دارند.

نیروهای سپاه مرزی (Frontier Corps)

نیروهای مذکور که با نام مخفف FC از آن در رسانه‌ها یاد می‌شود، ظاهراً زیر نظر وزارت کشور فدرال قرار دارند و در وبسایت وزارت مذکور به این موضوع اشاره شده ولیکن در عمل نیروی سپاه مرزی تحت فرماندهی مستقیم ارتش پاکستان قرار دارد و فرمانده نیروی مذکور از میان امرای ارتش انتخاب می‌شود. نیروی FC تنها در دو ایالت بلوچستان و خیبرپختونخوا وجود دارد که به محافظت از مرزهای مشترک پاکستان با افغانستان در ایالت خیبرپختونخوا و مرز مشترک پاکستان با کشورمان در بلوچستان می‌پردازند. یونیفورم نیروهای مذکور مشابه ارتش و دارای طرحی چریکی است (سروری، ۱۳۹۳: ۷۵).

گمرک پاکستان:

گمرک پاکستان مستقر در ایالت بلوچستان دو قسمت ستادی و عملیاتی دارد. قسمت ستادی کارمندان دولتی می‌باشند که در ادارات مشغول فعالیت می‌باشند و کارکنان قسمت عملیاتی در ایست بازرسی‌های داخل شهر و گذرگاه‌های مرزی نسبت به مبارزه با کالاهای قاچاق و مواد مخدر اقدام می‌نمایند. واحد نیروی مبارزه با مواد مخدر (DEC) در گمرک پاکستان در خصوص کشف و ضبط مواد مخدر اقدام نموده و کشفیات خود را در انبار نگهداری و در روز جهانی گمرک امحاء می‌نماید.

گارد ساحلی:

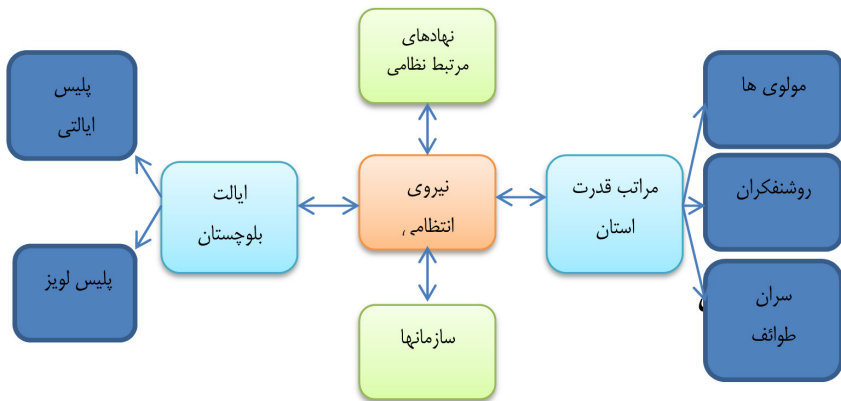
گارد ساحلی پاکستان یک نیروی شبه نظامی است که در سال ۱۹۷۳ میلادی برابر با سال ۱۳۵۱ خورشیدی تاسیس شد. این نیرو بخشی از نیروهای مسلح پاکستان است که در زمان صلح تحت کنترل عملیاتی وزارت کشور و در زمان جنگ تحت کنترل عملیاتی وزارت دفاع



قرار می‌گیرد. فرمانده گارد ساحلی مذکور از میان افسران ارشد نیروی دریایی و معمولاً با درجه سرتیپی منصوب می‌شود (سروری، ۱۳۹۳: ۷۷).

نشانه‌های دیپلماسی انتظامی در ایالت بلوچستان

سیاستگذاری و تصمیمات مهم در ایالت بلوچستان در خصوص مبارزه با تروریسم توسط ارتش انجام می‌شود و تجربه نشان داده است دولت پاکستان نیز در خصوص موضوعات تروریستی قادر به تصمیم‌گیری در مقابل طرف‌های خارجی نیست. مهمترین سرویس اطلاعاتی کشور پاکستان با نام اختصاری ISI، یک نیروی نظامی است که بخشی از ارتش این کشور محسوب شده و رئیس آن یک سرلشگر ارتش است. لذا، تنها ارتش پاکستان است که در خصوص موضوعات امنیتی در سطح بالا با کشورهای دیگر مذاکره می‌کند. از این رو، به نظر می‌رسد فعال‌سازی دیپلماسی انتظامی در خارج از مرزهای استان سیستان و بلوچستان در پلیس‌های ایالتی و نیروهای لویز می‌تواند تاثیرگذار باشد. ضمن اینکه با توجه به متواری شدن متهمان ایرانی از استان‌های شرقی به کشور پاکستان اغلب در ایالت بلوچستان مستقر می‌شوند، و هر دو آن‌ها به صورت مستقیم زیر نظر دولت ایالتی و وزارت داخله قرار دارند. لذا، ملاقات و برگزاری جلسات دوجانبه بین روسای پلیس ایالتی و لویز با هم‌تایان آن‌ها در استان سیستان بلوچستان می‌تواند کمک شایانی در حل منازعات و مقابله با جرایم بین‌المللی داشته باشد.



مدل مفهومی دیپلماسی انتظامی در مرزهای ایران و پاکستان



نتیجه گیری

برقراری امنیت پایدار در یک منطقه بدون شک نیازمند مولفه‌های فراوانی است. بدون تردید، همکاری در این حوزه‌ها ناشی از نفع مشترک و متقابل است که می‌تواند به حل بحران‌ها و ایجاد فرصت‌ها در مناطق مرزی کمک کند. لذا، برای برخی از کشورهای مانند ایران که دارای تنوع مرزها و تعدد همسایگان و تداخل‌های قومی و فرهنگی با کشورهای پیرامونی است، تصمیم‌گیری و تفکر در مورد امنیت ملی و امنیت عمومی بدون توجه به مرزها و آسوی مرزها غیرممکن است. یافته‌های تحقیق حاکی از این است که با توجه تغییر در مراتب قدرت استان سیستان و بلوچستان در شرایط بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، نیروی انتظامی می‌تواند با فعال‌سازی دیپلماسی انتظامی با این مراتب و هماهنگی با نهادی‌های مرتبط با این حوزه در داخل کشور، گام مهمی در مقابله با جرایم و اشراف اطلاعاتی استان داشته باشد. در ایالت بلوچستان پاکستان نیز با توجه به تقسیم‌بندی قدرت در کشور پاکستان نیروی انتظامی می‌تواند با فعال‌سازی دیپلماسی انتظامی با پلیس لویز و ایالتی نقش مهمی در استرداد مجرمین و متهمین متواری و همین‌طور اشراف اطلاعاتی و تامین نظم و امنیت عمومی کشور داشته باشد.

تشکر و قدردانی

پژوهشگران، از عزیزانی که در فرآیند ویراستاری ادبی و صفحه‌آرایی این مقاله همکاری و راهنمایی داشتند، کمال تشکر و امتنان را دارند.



منابع:

- ابراهیم زاده، عیسی (۱۳۸۸). بنیان‌های جغرافیایی جنوب شرق ایران، زاهدان، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ج اول.
- احدی، افسانه (۱۳۸۹). دیپلماسی عمومی؛ چارچوب مفهومی و نظری در دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی تهران، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- بابلیان، امید (۱۳۹۹). زمینه‌های همکاری مشترک بین وزارت امور خارجه و پلیس بین‌الملل با تاکید بر دیپلماسی انتظامی، پلیس بین‌الملل، مرکز تحقیقات کاربردی.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۸). جغرافیای سیاسی ایران، تهران، سمت.
- حسینی، سید محمود (۱۳۸۹). سیستان و بلوچستان، ناامنی و ریشه‌ها، مجله علوم سیاسی چشم‌انداز ایران، شماره ۳۸، تیر و مرداد.
- خانی، محمد حسن (۱۳۸۴). دیپلماسی فرهنگی و جایگاه آن در سیاست خارجی کشورها، فصلنامه دانش سیاسی.
- زارع مهدوی، قادر (۱۳۹۸). گزارش راهبردی راهبردی دیپلماسی در مرزهای شرق کشور، مرکز مطالعات راهبردی ناجا.
- سجادی‌پور، سید محمد کاظم، آخشی، مسعود (۱۳۹۷). اهداف و کارکردهای دیپلماسی پلیس محور، فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا، شماره نهم.
- سروری، امید (۱۳۹۳). سازمانهای پلیسی در کشور پاکستان، پلیس بین‌الملل، مرکز تحقیقات کاربردی.
- علی پور، عباس (۱۳۹۰). تحولات امنیتی جنوب شرق و تاثیر آن بر امنیت ملی ج.ا.ا، تهران، دانشکده و پژوهشکده پیامبر اعظم (ص).
- کاویانی، مراد (۱۳۹۰). ناحیه‌گرایی در ایران از منظر جغرافیای سیاسی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- گیتاشناسی (۱۳۷۹). انتشارات روزنه، تهران.
- نصیری، محمد (۱۳۹۷). عوامل خارجی مولد منازعات قومی در سیستان بلوچستان، پلیس بین‌الملل، دفتر تحقیقات کاربردی.

منابع لاتین:



- Berridge, G. R. & Alan James. (2001). **A Dictionary of Diplomacy**, New York: Palgrave MacMillan.
- Melissen, Jan. (2005). “**The New Public Diplomacy: Between Theory and Practice**”, in Jan Melissen (Ed.). **The New Public Diplomacy: Soft Power in International Relations**. New York: Palgrave MacMillan.
- White, Brian. (2001). “**Diplomacy**”, in **John Baylis and Steve Smith (Eds.)**, **The Globalization of World Politics: An Introduction to International Relations**. Oxford: Oxford University Press.